**ناولیست تقدیم می‌کند**

**آغازنامه‌ای بر مسیر نویسندگی**

**به قلم:**

**اولیس کوچولو و فرهاد**

**نکاتی که حین نوشتن داستان بهتره بهش توجه کنید**

یکی از مهم ترین و ساده ترین مسائلی که ممکنه در ابتدا نادیده گرفته بشه توجه به علائمی هست که دیالوگ ها رو از متن اصلی داستان جدا میکنن و به خواننده اجازه میدن که بفهمن شخصیت های داستان شما چه زمانی در حال حرف زدن هستن و چه زمانی ساکتن. اگه دیالوگ ها بدون هیچ نشانه ای بین متن داستان قرار بدید، خواننده نمیفهمه یا براش خیلی سخت میشه که منظور شخصیت های شما و حرفاشونو درک کنه. برای جدا کردن حرف شخصیت ها از متن داستان چند نشانه وجود داره. می تونید از علامت : استفاده کنید. در مواقعی مثل:

***مگومین گفت: اونقدرا هم که فکر میکنی کار ساده ای نیست.***

یا

***مگومین در حالی که از شدت خنده سرخ شده بود گفت: اونقدرا هم که فکر میکنی کار ساده ای نیست.***

همچنین وقتی شما اسم کاراکترها رو به کرار استفاده کردید و حدس میزنید که خواننده میتونه متوجه بشه که کی در حال حرف زدنه می تونید از این روش استفاده کنید:

***مگومین قدم زنان به درب ورودی ساختمان نزدیک شد و گربه های درون محوطه توجه اش رو جلب کرده بودن. یونی یون از پشت تلفن گفت: خب می تونی نشونه ی روی در رو ببینی؟***

***-البته، ولی اول باید به اطراف نگاهی بندازم.***

در اینجا ما میدونیم که مگومین در حال حرف زدنه. آوردن –در ابتدای سطر یک قرارداد نوشتاری هست که نشون میده این جمله با متن عادی داستان فرق داره و یک دیالوگه نه جمله ای از زبون راوی داستان.

البته از این نشانه میشه برای شروع دیالوگ هایی که گوینده اش قراره مبهم بمونه یا به سرعت هویت اش افشا نشه هم استفاده کرد مثل:

***-فکر نمیکردم به این زودی سر و کله ات پیدا بشه.***

***مگومین با شنیدن این صدای مردانه جاخورد چون انتظار نداشت که فردی زودتر از خودش به ساختمون اصلی رسیده باشه.***

در اینجا گوینده ی جمله ای که با – شروع شده هنوز مشخص نیست اما نویسنده در ادامه می تونه این شخصیت رو معرفی کنه.

گاهی اوقات نویسنده قصد داره که بدون تموم کردن یک جمله یا یک بند، یک دیالوگ رو توی متن قرار بده. در این صورت لازمه که از علائم :« دیالوگ» استفاده کنید. به طور مثال:

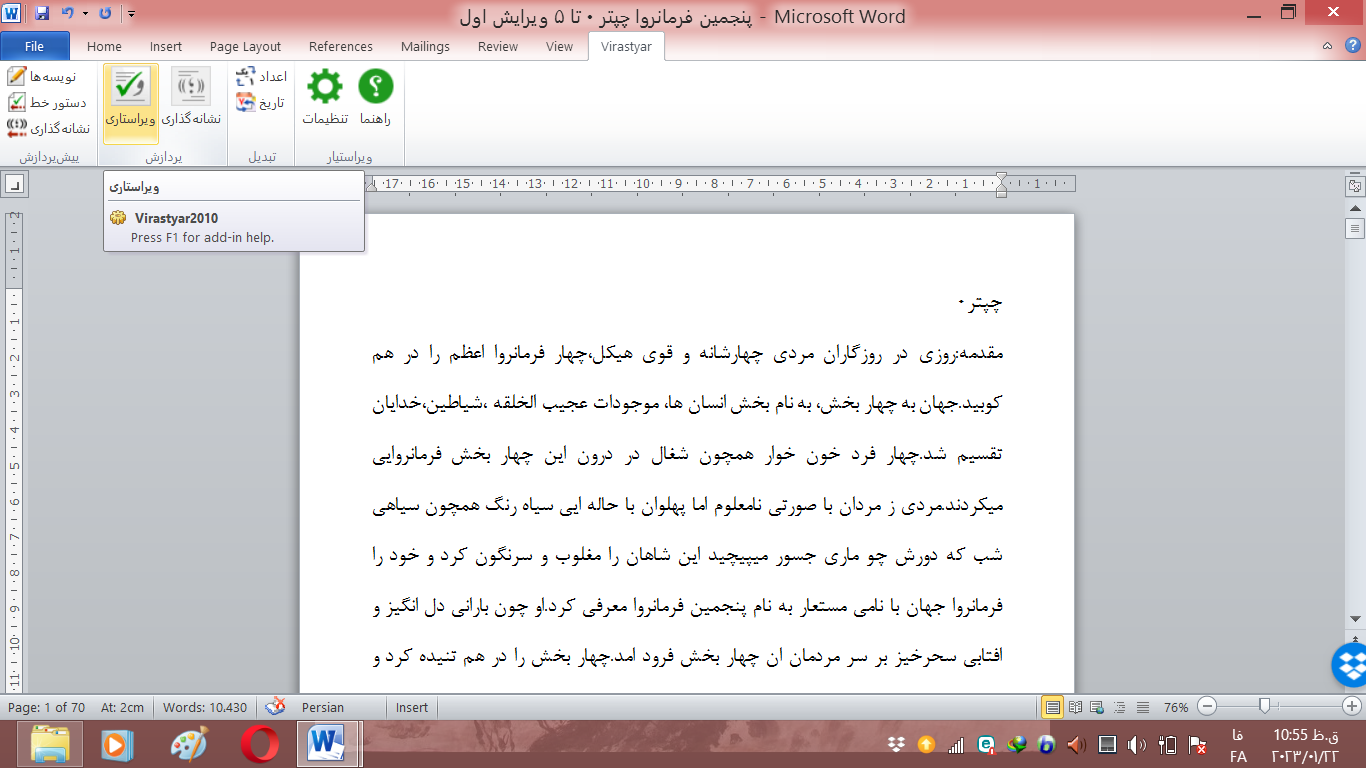
***هیچ فکر نمیکردم که ساز و کار کالج سلطنتی اینقدر پیچیده باشه. چهره ی استاد وقتی که گفت:«ما اینجا قصد ساختن طلا از نقره رو داریم» کاملا جدی و قاطع به نظر میرسید.***

علائم « و » در کیبورد کامپیوتر با فشردن همزمان shift و دکمه ی L یا حرف م و shift به اضافه ی دکمه ی K یا حرف ن انجام میشه.

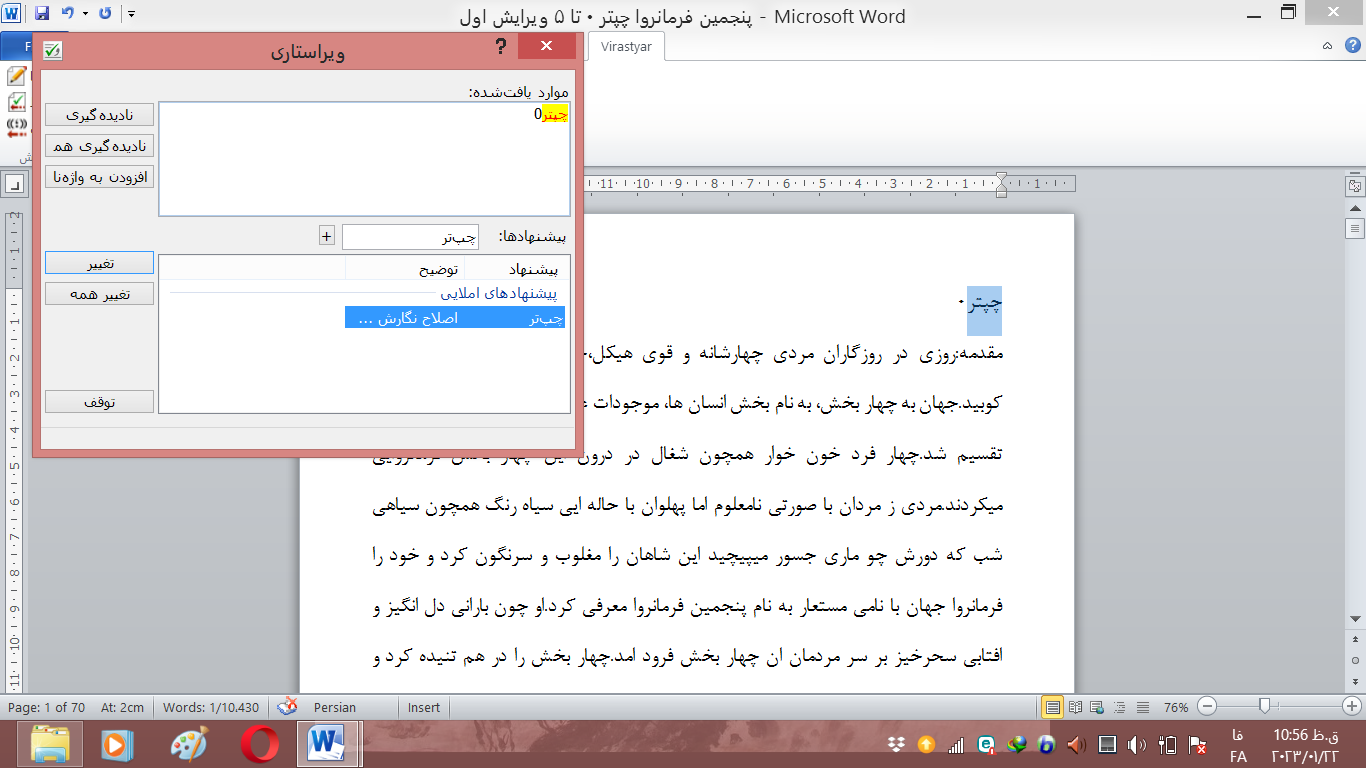
**ابزار ویراستیار**

این برنامه نسخه ای قدیمی تر نسبت به برنامه ی ویراستار امروزی هست. مزیت اش اینه که میتونید به صورت آفلاین هم مورد استفاده قرار بدید و حجم کمی داره. ویراستیار امروزی به صورت آنلاین کار میکنه و برخی امکاناتش نسبت به نسخه ی قدیمی ویراستیار بیشتره.

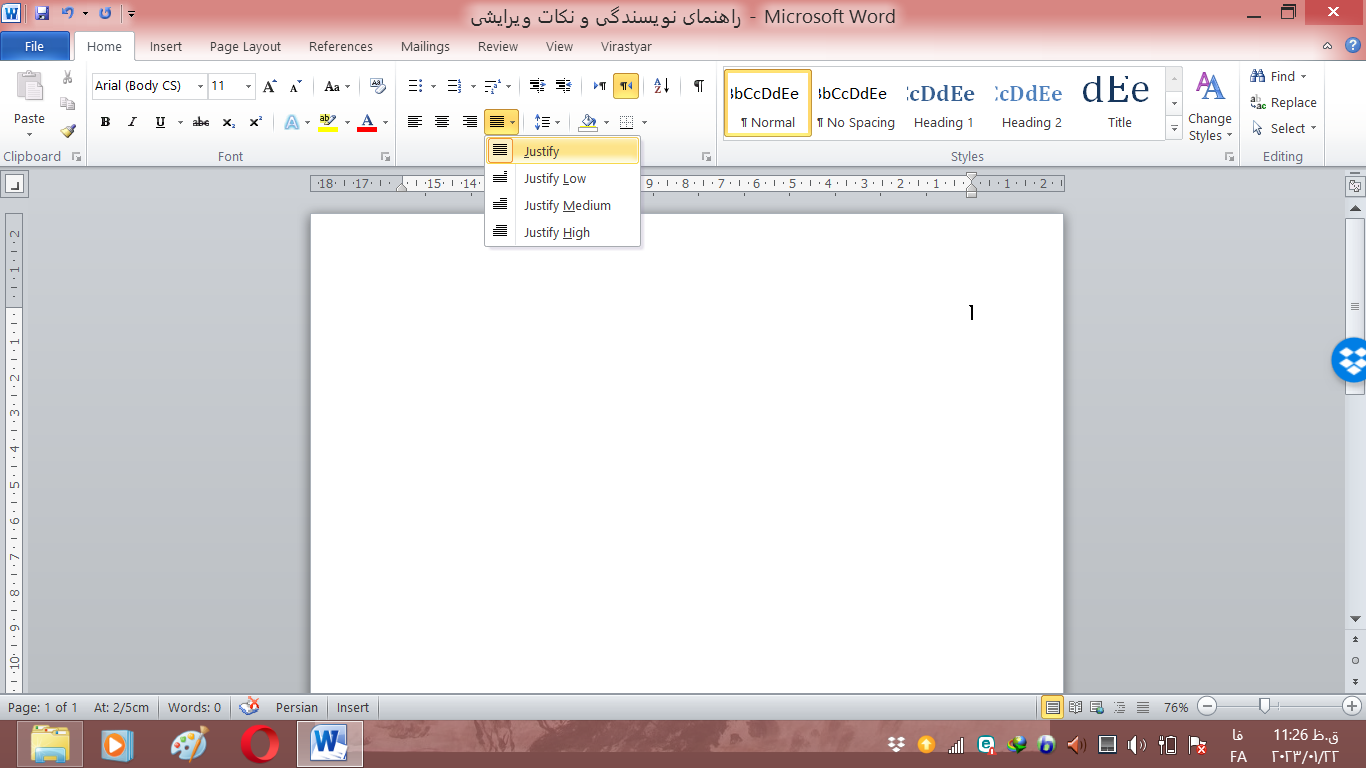
وقتی این ابزار رو نصب کنید به این صورت توی محیط ورد قابل مشاهده است و شما توی دو مرحله هم میتونید متن رو ویراستاری کنید و هم نشانه گذاری ها رو ویرایش کنید. تو قسمت ویراستاری معمولا غلط های املایی و نیم فاصله ی بین کلمات رو میتونید مدیریت کنید. تو قسمت علامت گذاری هم نیم فاصله های بعد از علامت ها و جزئیات مرتبط باهاشون قابل دستکاریه.



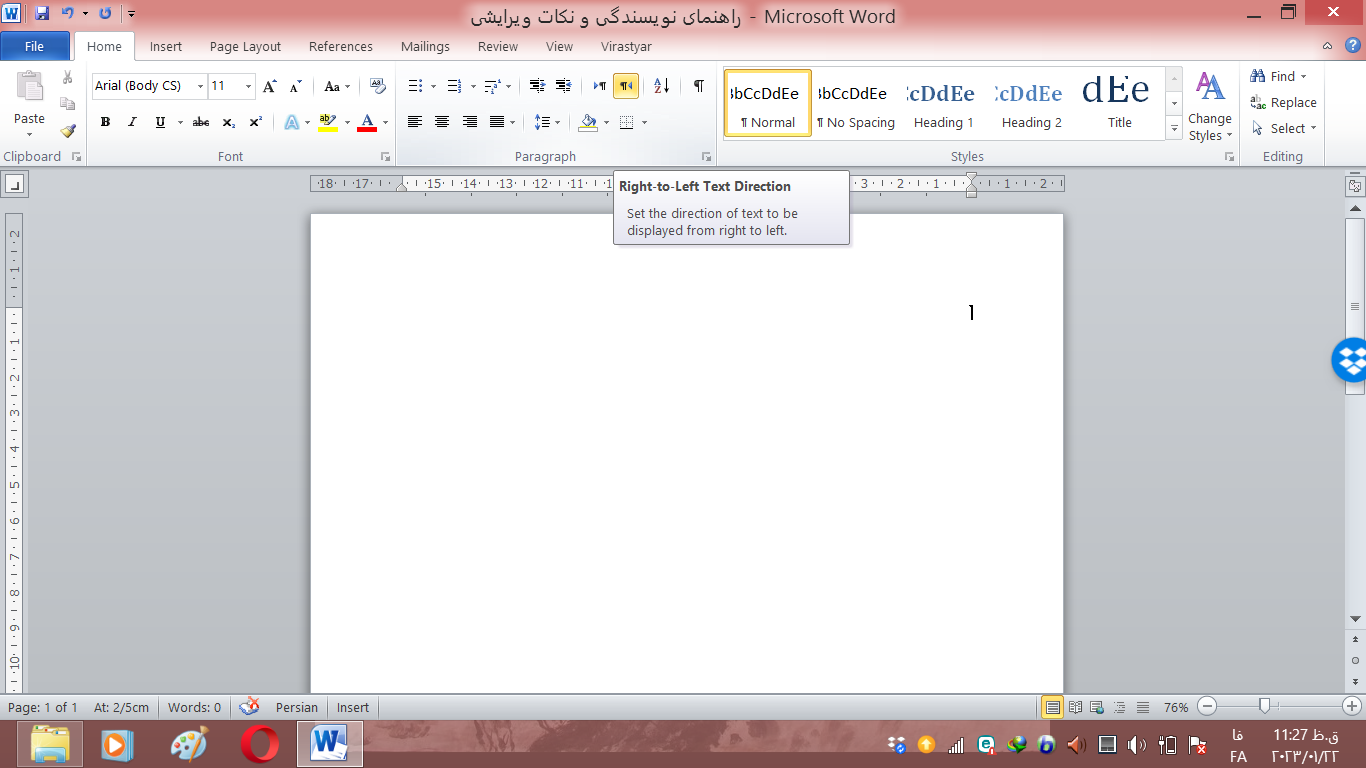
یکی از نکاتی که خیلی وقتا نادیده گرفته میشه یا ممکنه ناخواسته به وجود بیاد نابهنجاری توی درج نشانه ها هست. نشانه ها به طور استاندارد لازمه با کلمه ی قبل از خودشون متصل و با کلمه ی بعدی فاصله داشته باشن. رعایت این موضوع می تونه مطالعه ی متن شما رو راحت تر کنه و آشفتگی بصری متن تا حد زیادی پایین میاد.



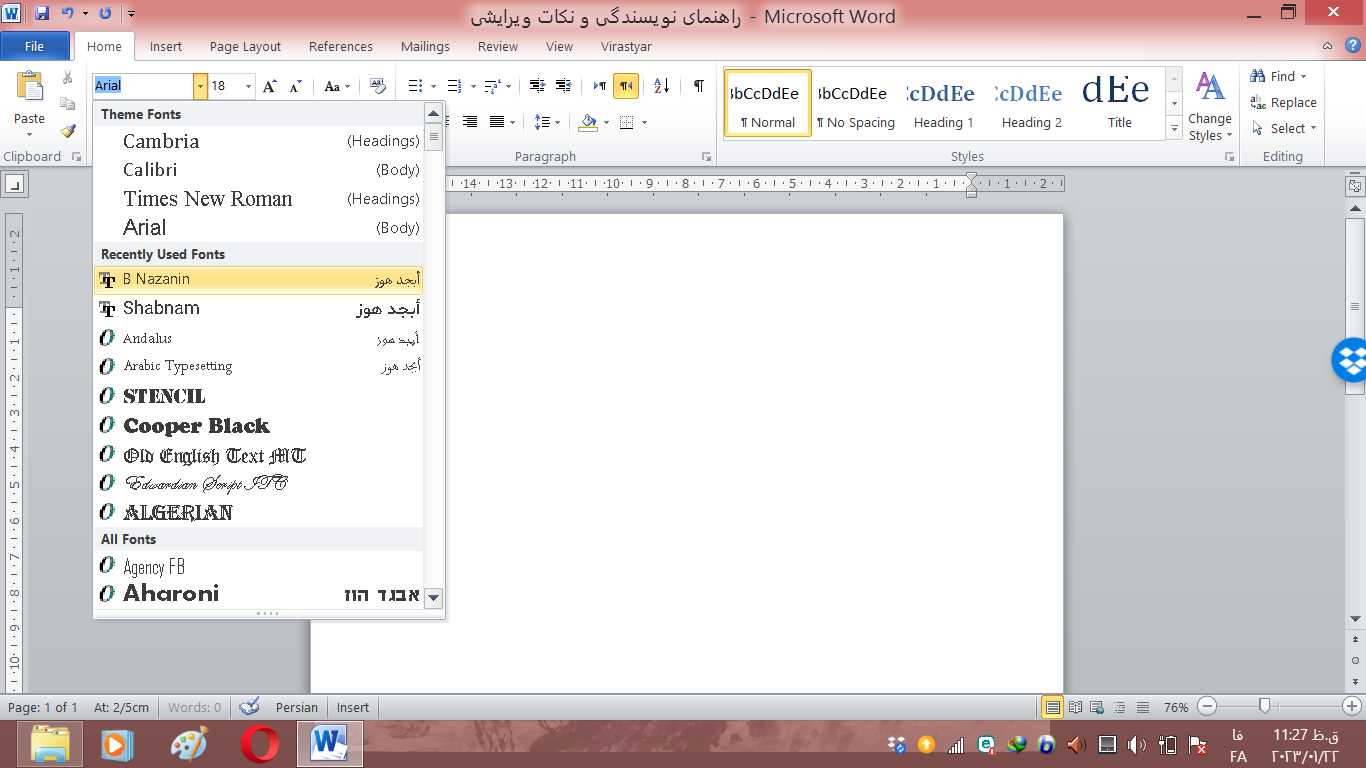
توی محیط برنامه ی ویراستیار چند تا دکمه ی بسیار کاربردی وجود داره که می تونه باعث صرفه جویی خیلی زیادی توی امر ویراستاری بشه. زمانی که یک اشتباه نگارشی توی قسمت های مختلفی از متن وجود داره و شناساییش کردید می تونید به کمک دکمه ی "تغییر همه" تغییر رو در همه جای متن اعمال کنید. طبیعتا گزینه ی "نادیده گیری همه" می تونه باعث بشه که مجددا مجبور به تصمیم گیری در مورد مواردی نشید که دوست ندارید تغییر کنه.



از جمله کارایی که می تونه به مرتب تر و تمیز تر به نظر رسیدن متن کمک کنه قابلیت Justify هست که دو طرف متن رو مماس میکنه. مثل همین متنی که مشغول خوندنش هست. اگر توجه کنید آخر هیچ کدوم از خطوط این متن، فضای خالی وجود نداره.



استفاده از این گزینه کمک میکنه که اول هر بند به قسمت راست صفحه بچسبه. استفاده از این ویژگی میتونه کمک کنه با مشکلایی مثل چپ چین شدن متن بعد از جابجایی بین محیط ویندوز و اندروید مواجه نشید و نظم خطوط کاملا حفظ بشه.



این مورد چندان ضروری نیست با این وجود می تونه کمک کنه که ویراستار و ناظرا بتونن کار شما رو راحت تر بخونن. هر چند داستانتون رو به زبان فارسی مینویسید با این وجود نوع فونت می تونه روی راحت خوندن متن خیلی تاثیر داشته باشه. فونت B Nazanin یکی از بهینه ترین و رایج ترین فونت ها هست که مزیت اش در گوشه های گرد و ظریفشه و راحت تر میشه مطالعه اش کرد.

**نکاتی برای کاربرای اندروید**

بسیاری از نویسنده ها ممکنه که از تبلت یا گوشی های اندروید برای نوشتن استفاده کنن. این ابزار ها قابلیت های خاص خودشونو دارن و آشنایی با روش ها و نرم افزار هایی که مخصوص نویسنده ها طراحی شدن می تونه کمک کنه که بتونید متن مرتب تر و استاندارد تری رو بنویسید.

بعضی ابزار ها ممکنه به شما اجازه بدن که یک متن رو بنویسید اما لزوما کمک نمیکنن که متن مرتبی داشته باشید. برای همین ممکنه بعد از انتقال داستان تون به کامپیوتر متوجه بشید که نقطه ها اومدن سر خط یا علامت هایی که اول جمله قرار دادید به آخر جمله منتقل شدن و یا همه ی جملات چپ چین شدن.

نرم افزار هایی که مخصوص نوشتن طراحی شدن معمولا چند قابلیت بهینه تر دارن که باعث میشن هم بتونید متن های مرتب تری بنویسید و هم به راحتی چپتر های مختلف ناول خودتون رو مرتب کنید.

یکی از کم حجم ترین و کاربردی ترین نرم افزار هایی که می تونید در محیط اندروید مورد استفاده قرار بدید نرم افزار Note Everything هست که حتی در نسخه های قدیمی اندروید هم کار میکنه و قابلیت هایی مثل اشتراک متن خروجی با انواع برنامه های کاربردی، ایجاد پوشه های مختلف برای مرتب کردن متن ها و نوشتن و ویرایش کاملا آفلاین رو داره.

****

**آیکن برنامه Note Everything**

**چند نکته برای افراد تازه کار**

یکی از اتفاقاتی که معمولا برای یک ناول در حال نوشتن ممکنه بیوفته اینه که اصلا تموم نشه. در ابتدا ممکنه با هیجان و شور حماسی زیادی شروع به نوشتن کرده باشیم اما ناگهان میبینیم که ایده ی کافی نداریم یا نوشتن تبدیل به یک کار فرسایشی شده. این فقط مشکل شما نیست و حتی برخی از کارکشته ترین نویسنده ها هم ممکنه گاها به این نتیجه برسن که نمی تونن یا علاقه ای ندارن که ناول خودشون رو تموم کنن.

با این وجود نیمه کاره موندن یک ناول ممکنه تاثیر بدی توی ذهن نویسنده بذاره بخصوص اگر فرد مذکور تازه کار باشه و با امید زیادی شروع به نوشتن کرده باشه. یکی از توصیه هایی که به افراد تازه کار میشه اینه که از داستان های کوتاه شروع کنید. نوشتن یک داستان کوتاه می تونه کمک کنه که اعتماد به نفس بیشتری پیدا کنید و وقت و انرژی کمتری هم از شما میگیره. همچنین شما می تونید به راحتی داستان کوتاه خودتون رو با دیگران در اشتراک بذارید و نظرشون رو دریافت کنید و به کمک این نظرات، قلم خودتون رو برای نوشتن یک ناول طولانی قدرتمند تر کنید.

**بخش زیادی از مهارت شما بعد از شروع پروژه به دست میاد**

نوشتن یک بازی یا رقابت برای جلو افتادن از دیگران نیست. می تونید تصور کنید که همیشه نویسنده هایی فعال تر یا پرطرفدار تر در دنیا وجود دارن و رقابت کردن با دیگران هر چقدر هم لذت بخش باشه ممکنه به سادگی غیر ممکن باشه. این شیوه ی رقابت همچنین می تونه باعث بشه که نسبت به چیزی که می نویسید احساس شرمساری پیدا کنید و بعد از مدتی از خودتون ناامید بشید و احساس کنید که هرگز نمی تونید توی هیچ رقابتی پیروز بشید. اگر به جای رقابت با دیگران روی رقابت با خودتون تمرکز کنید قطعا همچین مشکلاتی هم پیش نمیاد.

داستان نویسی می تونه به ما کمک کنه که دنیای درونی خودمون رو پرورش بدیم و به جای شخصیت های مختلف فکر و زندگی کنیم. یک تجربه ی شبیه سازی شده که انتخاب ها و تصمیمات ما نقش بسیار تعیین کننده ای در سرنوشت شخصیت ها داره. بخش زیادی از مهارت های مرتبط با داستان نویسی به تدریج و با تکمیل داستان های جدید در درون شما به وجود میان. کاری که تا دیروز برای شما سخت بوده به تدریج تبدیل به فرآیندی بسیار پیش پا افتاده میشه و می تونید به سراغ سبک های داستانی پیچیده تر یا داستان های خاص تری برید و خودتون رو به چالش بکشید.

**چطوری دنبال ایده بگردیم؟**

ایده‌ها می‌تونن خیلی کمیاب و گاهاً خیلی دردسترس و ساده باشن. در مقابل گاهی همین ایده‌های ساده می‌تونن ارزش و پتانسیل بالاتری از اون ایده‌های ناب و کمیاب از خودشون نشون بدن. داستان می‌تونه درباره‌ی پسری باشه که رویای قهرمانی داره و یک الهه و یا سیستم صداش رو می‌نشوه، یا می‌تونه درباره‌ی شاخه درختی باشه که دلش می‌خواد تبدیل به یک شمشیر افسانه‌ای شده و در دنیا سفر کنه.

ایده‌ی اولیه می‌تونه در همین حد خلاصه باشه و چیزی که ارزش ایده‌ شما رو کاهش و یا افزایش میده، دید شما نسبت به اتفاقات مختلفی مثل عشق، ماجراجویی، شجاعت و حتی قدرته. البته قدرت قلم شما هم در روایت کردن ماجراها اهمیت بالایی داره.

**چطوری ایده‌ها رو بررسی و ارزیابی کنیم؟**

بخش بزرگی از جواب این سوال، به شامه‌ی خود شما برمیگرده و جواب مشخصی براش وجود نداره. شما نیاز ایده‌ی خودتون رو گرفته و شروع به گشتن در بین ناول‌ها و مانگاها کنید تا ببینید که چقدر تاحالا به ایده‌‌ی شما پرداخته شده. این ایده‌ای که شما دارید بیشتر به چه ژانری می‌خوره، دیگران در چه ژانرهایی ازش استفاده کردن و اون‌ها چه بازخوردی از مخاطبین گرفتن؟(منظورم به نمره و تعداد نظرات کار در سایت‌های مرجع مثل NovelUpdate, NovelPub, Mangakakalot, MangaDex و غیره‌ست). بعد از اون می‌تونی با چشم‌بازتری ایده‌های خودتون رو شناخته و درباره‌ی ارزش اون فکر کنید.

**چطوری شروع به نوشتن اولین قسمت کنیم؟**

همیشه اولین قدم‌ها، سخت‌ترین قدم‌ها هستن. اما هیچ‌چیزی با داشتن یک برنامه غیرممکن نیست. پس قبل از اینکه دست به قلم بشید ابتدا باید روی یک تکه کاغذ، مواردی مثل: فضای داستان(کمدی، درام، اکشن)، نحوه‌ی نوشتار(عامیانه یا ادبی)، مواردی که می‌خواید در داستان نشون بدید(حس دوستی، خشم و انتقام، تلاش خستگی‌ناپذیر، نترس بودن)، حجم قسمت‌ها(تعداد صفحات هر قسمت) و نوع اسم‌ها رو مشخص کنید، چرا که هر کدوم از این مسائل نیاز به زمان قابل توجهی فکر دارن و اگر بخواید در حین نوشتن باهاشون دست‌و‌پنجه نرم کنید، به احتمال قوی کار رو نابود خواهید کرد.

نوشتن اولین قسمت، سبک‌های متفاوتی داره. بعضی از رایج‌ترین نمونه‌های اون رو میشه این موارد دونست:

۱. پایان داستان رو بگید و حالا در قسمت‌های بعدی بیاید نحوه رسیدن داستان به اون نقطه رو روایت کنید.

۲. شخصیت اصلی رو به یه نحوی کشته و دوباره در گذشته و یا آینده زنده‌ش کنید.

۳. از لحظه‌ی تولد شخصیت اصلی شروع به روایت کنید.(در اینجا شخصیت می‌تونه خاطراتش رو داشته و یا نداشته باشه)

۴. از لحظه‌ای که شخصیت اصلی تصمیم به تغییر رویه‌ی زندگیش می‌گیره شروع کنید.

۵. از تعریف یک رمز و راز شروع کرده و رفته‌رفته داستان و شخصیت‌ها رو به دنبالش معرفی و وارد کنید.

**تعداد شخصیت‌های اصلی داستان؟**

هیچ شخصیتی، بدون شخصیت‌پردازی «شخصیت» نمیشه. پس شما تعداد شخصیت‌های داستان‌تون رو باید براساس زمانی که می‌تونید برای شخصیت‌سازی و پرورش دادن شخصیت‌ها بذارید تعیین کنید.

مطمئناً شما می‌تونید ده‌ها شخصیت رو به‌صورت یک‌جا وارد داستان کنید ولی هیچ‌کس از شخصیتی که عمق نداشته و نتونه باهاش ارتباط بگیره خوشش نمیاد. خواننده نیاز داره تا بتونه با خنده‌ها، اشک‌ها و فریاد‌های شخصیت شما همراه شده و اون‌ها رو احساس کنه، اما اگر شخصیت‌های شما کم‌عمق بوده و براشون وقت کافی نذاشته باشی، همه به سادگی از این شخصیت‌ها رد شده و ارزشی برای اون‌ها قائل نمیشن.

**اسم‌های ایرانی و غیر ایرانی؟**

این یک انتخاب کاملاً سلیقه‌ایه که هر کسی بسته به علاقه‌ی خودش می‌تونه در پیش گرفته و داستان رو بر پایه‌ی اون بنا کنه. اما در حقیقت امر ارتباط گرفتن با شخصیت‌هایی که اسم‌هایی غیر بومی و خارجی دارند ساده‌تر از اسم‌های معلوم ایرانیه که هرروز در مدرسه، دانشگاه و خونه می‌شنویم.

**حجم قسمت‌ها براساس تعداد کلمه یا صفحه؟**

برای جلوگیری از خستگی شخصاً توصیه می‌کنم محدوده قسمت‌ها در اندازه ۱۰۰۰ کلمه و یا ۶ صفحه باشه. اینطوری هم شما می‌تونید با خیال راحت‌تر قسمت‌ها رو بنویسید و هم بازخونی و تصحیح دوباره قسمت‌ها در صورت پیدا کردن یک ایده جدید ساده‌تر میشه.